

اخبار حوادث

سرقت از نانوائی با شیوه تکراری

گروه حوادث:سارق سابقه دار که بخاطر اعتیادش نیاز به پول داشت در سناریویی تکراری بابیهوش کردن همکارانش در مغازه نانوائی دست به سرقت میلیونی زد.چندی قبل ماموران کلانتری ۱۳۶ فرجام در جریان سرقت میلیونی از یک نانوائی قرار گرفتند و با توجه به حساس بودن پرونده تیمی از ماموران پایگاه ۴ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عامل این سرقت وارد عمل شدند.

مردانانو

صاحب مغازه نانوائی به ماموران گفت: چندی قبل مرد جوانی را که برای کار در مغازه نانوائی ام مشغول به کارم کردم اما پس از چندروز مرد جوان در غذای من و دیگر اعضای همکارانش در نانوائی مواد بیهوش کننده ریخته بود که پس از خوردن غذا همگی بیهوش شدیم و زمانیکه به هوش آمدیم متوجه شدیم ۲میلیون تومان پول از داخل مغازه به سرقت رفته است واز کارگر جدیدنیز خبری نیست.

دوربین مدار بسته

کارآگاهان در گام نخست تحقیقات به بررسی دوربین مداربسته مغازه نانویی پرداختند و با توجه به تصویر سارق جوان و برررسی الیوم مجرمان سابقه دار خیلی زود متهم که در گذشته نیز سابقه سرقت به شیوه داروهای بیهوشی داشت شناسایی شد. همین کافی بود تا کارآگاهان با اقدامات فنی و پلیسی مخفیگاه این سارق جوان را دزنی کنند و در یک عملیات غافلگیرانه دزد مغازه نانوائی دستگیر شد.

اعتراف به سرقت

دزد جوان که راهی جز اعتراف پیش روی خود نداشت به ماموران گفت: بخاطر اعتیادم نیاز به پول داشتم به همین دلیل با توجه به شیوه سرقت های قدیمی ام سناریوی دزدی را طراحی کردم و داخل غذای همکاران و صاحب مغازه نانوائی مواد بیهوشی زدم و پس از اینکه همگی آنها بیهوش شده بودند نقشه سرقت را به اجرا گذاشتم. بنا به این گزارش، متهم پس از اعتراف به سرقت و صدور قرار قانونی از سوی دادیار شعبه ۴ دادسرای ناحیه ۴ رسالت روانه زندان شد.



تیر اندازی مرگبار در باقر شهر

راننده خودروی سمند در اقدامی مرگبار با شلیک گلوله به زندگی مرد جوانی در باقر شهر پایان داد. به گزارش خبرنگار جایی ر کنا، ساعت ۵ عصر پنج شنبه ۱۵ شهریور ماه اسام صدای شلیک گلوله ای در خیابان فلسطین منطقه باقر شهر به گوش رسید و با فرار خودروی سمند از محل ماموران پلیس با اعلام این خبر در محل تیراندازی حاضر شدند. ماموران پلیس وقتی در محل حاضر شدند با جسد مرد ۴۵ ساله ای که هدف گلوله مرگبار قرار گرفته بود روبرو شدند و همین کافی بود تا قاضی ویژه قتل از دادسرای عمومی و انقلاب کهریزک همراه تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه در صحنه جرم حاضر شوند. کار آگاهان در گام نخست تحقیقات پی بردند که راننده خودروی سمند با شلیک مرگبار به مرد جوان به سرعت از محل متواری شده است. تیم جنایی پلیس پایتخت در صحنه جرم تجسس های فنی را آغاز کردند که مشخص شد قبل از این تیراندازی مرگبار، راننده سمند با قربانی جنایت در خیابان در گیر شده بودند که در این در گیری راننده سمند به سرعت سوار بر خودرو شده و پس از دقایقی سوار بر خودرویش به محل بازگشته و با شلیک گلوله، مرد جوان را به قتل رسانده است. بنا به این گزارش، تحقیقات پلیسی نشان از آن دارد که این ۲ مرد از قبل همدیگر را می شناسختند و اختلافاتی داشته اند که در همین راستا ردیابی های پلیسی برای دستگیری عامل این تیراندازی مرگبار در دستور کار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.



بازی خونین پسر بچه با تفنگ بادی

یک کودک ۱۰ ساله به دنبال احتیاطی خانواده بازی با تفنگ بادی، از ناحیه شکم مصدوم و روانه بیمارستان شد. مهدی غلامنبار روشن سخنگوی اورژانس بابل بیان کرد: ساعت ۱۲:۲۰ ظهر روز گذشته در تماس مردمی با سازمان اورژانس بابل، حادثه ای مبنی بر برخورد گلوله با پسر بچه ۱۰ ساله، در جاده شهید صالحی گزارش شد. وی با بیان اینکه به محض دریافت اطلاعات، نیروهای امدادی به محل حادثه اعزام شدند، افزود: بررسی ها نشان می دهد متأسفانه به علت بی احتیاطی خانواده، تفنگ بادی پر شده در دسترس دو کودک قرار داشت، که آن ها مشغول بازی با تفنگ می شوند. سخنگوی اورژانس بابل خاطر نشان کرد: متأسفانه حین بازی، یکی از کودکان با تفنگ به سمت دوستش شلیک می کند، که گلوله به قسمت راست شکم کودک دیگر برخورد می کند. تکسین های اورژانس ۱۱۵ پس از اقدامات پزشکی اولیه، مصدوم حادثه را به بیمارستان شهید بهشتی بابل منتقل کردند و خوشبختانه حال مصدوم وخیم گزارش نشده است.

قبول نکرد و با هم بحث کردیم. ویدا با شنیدن حرف های من شروع به داد و فریاد کرد و من در اوج عصبانیت دستم را روی گلوئی او گذاشتم و فشار دادم اما بی حال شد. فکر کردم او بیهوش شده به همین خاطر به او تنفس مصنوعی دادم ولی کار از کار گذشته بود. این متهم گفت: من واقعا قصد کشتن دختر جوان را نداشتم. فقط می خواستم او را آرام کنم. از ترسم جنازه را به شهر جدید اندیشه بردم و آن را در حاشیه یک خیابان رها کردم من از ویدا طلبکار بودم ولی به خاطر طلبم او را نکشتم. بنا به این گزارش، در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

میلیونی اش کشتن ولی حالا حقیقت را می گویم. من زن و بچه داشتم که ویدا را به عقد موقت در آوردم. بعد از مدتی اصرار داشت تا او را به عقد دائم در بیاورم و صاحب فرزند شویم اما من قبول نکردم. وی ادامه داد: صبح ۸ آبان ماه سال ۹۶ با او در فلکه دوم صادقیه قرار ملاقات داشتم. به دیدن او رفتم و متوجه شدم ویدا همراه خودش یک ساک بزرگ آورده است. او می گفت وسایل شخصی اش را جمع کرده تا همراهم بیاید و تصمیم ندارد دیگر به خانه پدری اش برگردد. وی افزود: همسر و فرزند داشتم و نمی توانستم با ویداز ندگی کنم. به همین خاطر به او گفتم بهتر است رابطه مان را با هم تمام کنیم اما او

روز سر همین موضوع با هم در گیر شدیم و من او را داخل ماشین خفه کردم و جنازه اش را در جاده اندیشه انداختم. به دنبال اعتراف های این مرد بقایای جنازه نیز کشف شد.

وی دیروز در حالی در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان زاده و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد که اولیای دم برای او حکم سپس وی به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: ویدا از بستگان دور مان بود و من او را صیغه کرده بودم. به همین خاطر بعد از دستگیری و در بازجویی ها از ترس آبرویم گفته بودم او را به خاطر بدهی

آبان ماه سال ۹۶ به دنبال ناپدید شدن دختر جوانی به نام ویدا در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می داد این دختر ۸ آبان ماه با مرد ۴۲ ساله ای به نام فرهاد قرار ملاقات گذاشته بود.

با این سرنخ فرهاد تحت بازجویی قرار گرفت و ادعا کرد از سرنوشت دختر جوان بی اطلاع است ولی وقتی پلیس به رابطه دوستانه آنها پی برد بعد از ۱۲ روز لب به بیان حقیقت گشود و گفت: مدتی پیش با ویدا آشنا شدم، او یکسال قبل به بهانه سرمایه گذاری در یک پروژه اقتصادی، مبلغ ۴۵ میلیون تومان از من پول قرض کرده بود. قرار بود این مبلغ را در کمترین زمان به من بدهد اما هر بار بهانه ای می آورد. آن



گروه حوادث: مرد متاهل وقتی دید دختر مورد علاقه اش اصرار به ازدواج با او دارد در یک لحظه دست

خبر

انگیزه اختلافات مالی بود

پایان ۶ ماه زندگی زیر زمینی قاتل چاقو کش

با هم اختلاف مالی پیدا کرده و داوود در پروژه ساختمانی همکاری نداشته است.

دستگیری قاتل

کار آگاهان در ادامه در ادامه تجسس های بردند که داوود پس از جنایت دیگر به خانه اش بازنگشته و هیچ از اعضای خانواده اش نیز از وی اطلاعی ندارند. کار آگاهان تحقیقات فنی و پلیسی خود را برای دستگیری عامل این جنایت آغاز کردند تا اینکه در قاتل فراری در یکی از روستاهای شهرستان تربت حیدر به زده شد.

بدین ترتیب روز ۴ شهریور ماه سال جاری با گذشت ۶ ماه از جنایت ماموران پلیس آگاهی تهران با حضور در روستایی که قاتل فراری پنهان شده بود موفق به دستگیری وی شدند.

داوود که در این روستا با مشخصات دروغین زندگی جدیدش را شروع کرده بود وقتی در برابر ماموران قرار گرفت خود را با نام دروغین خود معرفی کرد و ادعای بیگناهی در ماجرای قتل مرد گچ داشت.

اعتراف به قتل

داوود اصرار به بیگناهی داشت اما وقتی در

شام بودیم که مرد غریبه ای وارد اتاق شد و از من خواست تا از آنجا خارج شوم و من با توجه به اینکه احتمال می دادم دوستم مرد غریبه را می شناخت از آنجا خارج شدم. وی افزود: ساعت ۱۱:۳۰ شب بود که با موبایل دوستم تماس گرفتم اما پاسخی نشنیدم تا اینکه صبح ۲۴ اسفند ماه وقتی برای رفتن به محل کارم به خانه دوستم رفتم با جسد خونین او روبرو شدم.

چهره نگاری

کار آگاهان در این مرحله به کمک دوست مقتول اقدامات چهره نگاری مرد غریبه را انجام دادند و چهره فرضی مظنون اصلی پرونده به دست آمد.

تیم جنایی پلیس پایتخت در ادامه تصویر چهره نگاری شده مظنون اصلی پرونده را در برابر خانواده قربانی جنایت قرار دادند که خیلی زود مرد غریبه که داوود ۳۹ ساله شناسایی شد. در ادامه مشخص شد که قربانی جنایت گچ کار یک پروژه ساختمانی بوده و داوود پیش از این ماجرا با مقتول همکاری بوده اما پس از مدتی

گروه حوادث: مرد جوان که بخاطر یک اختلاف حساب ۵۰۰ هزار تومانی دست به قتل زده بود پس از ۶ ماه فرار در خانه روستایی دستگیر شد. صبح ۲۴ اسفند ماه سال ۹۶ بود که پسر جوانی در تماس با ماموران کلانتری ۱۶۶ لواسان از قتل خونین جوان ۳۲ ساله ای در اتاقک اجاره ای خبر داد.

همین کافی بود تا تیمی از ماموران برای تحقیقات ابتدایی در صحنه جرم حاضر شوند و در بررسی مشخص شد که پسر جوان هدف ضربات مرگبار چاقو از ناحیه گردن و قفسه سینه شده است.

بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی ویژه قتل برای افشای راز این جنایت خونین وارد عمل شدند.

بازجویی در محل

کار آگاهان در گام نخست پسر جوانی که ماجرای قتل دوستش را به پلیس گزارش داده بود هدف بازجویی قرار دادند.

پسر جوان به ماموران گفت: شامگاه ۲۳ اسفند ماه بود که در خانه دوستم در حال خوردن

این پسر قاتل دختری در خیابان گاندی بود

نجات دارا از طناب دار

گروه حوادث: پسر جوان که در ماجرای سرقت خودروی پژو ۲۰۶ خیابان گاندی باعث مرگ دختر جوانی شده بود در یک قدمی مرگ از سوی خانواده دختر جوان بخشیده شد. عصر ۴ اردیبهشت ماه سال ۹۱ دختر ۲۶ ساله ای به نام تینا که دانشجوی پزشکی بود در خیابان ۸ گاندی کشته شد و پلیس با تحقیقات گسترده یک پسر ۱۲ ساله به نام دارا را که چندین سابقه کیفری در پرونده اش داشت ردیابی و بازداشت کرد.

قتل دختر جوان

متهم در بازجویی ها ادعا کرد چون تینا راننده ماهری نبود از من خواست تا ماشینش را کنار خیابان پارک کنم، اما در این میان ناخواسته ز چرخ های ماشین رفت و جان سپرد. اما پدر تینا این ادعا را رد کرد و گفت: دخترم دانشجوی پزشکی بوده و به سه زبان خارجی تسلط داشته و دو اختراعش ثبت شده بود. در حالی که انتشار این خبر در روزنامه هاسر و صدای

زیدی به پا کرده بود دارا در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری سابق استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و گفت: وقتی دختر دانشجو برای پارک کردن خودرو از من کمک خواست به فکر سرقت افتادم. پشت فرمان نشستم و دنده عقب رفتم اما متوجه شدم ماشین به چیزی برخورد کرد ولی فکر نمی کردم دختر جوان را زیر گرفته باشم.

بخشش قاتل

در آن جلسه دارا با حکم قضایی به قصاص، سه سال زندان، ۱۷۴ ضربه شلاق و رد مال محکوم شد. این حکم در شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور مهر تایید خورده بود که وی توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و به زندگی برگردد. به این ترتیب دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محسن زالی بوئینی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: شیشه مصرف کرده و چند



شبانه روز نخواستیدم. حال طبیعی نداشتم که به خیابان گاندی رفتم. همان موقع یک پژو نقره ای وارد کوچه شد. راننده پژو که یک دختر جوان بود می خواست ماشینش را پارک کند اما گلگیر پژو به چراغ پراید جلویی خورد. دختر جوان، در خودرو را باز کرد و از من کمک خواست، میگفت کلاسش دیر شده است. وقتی پشت فرمان نشستم صاحب پژو پشت ماشین ایستاده بود. وی ادامه داد: راه فرار از انتهای کوچه بر ایمن باز بود به همین خاطر به فکر سرقت افتادم و دنده عقب گرفتم. در آن بین، چیزی به پژو نقره ای خورد اما نمیدانستم صاحب ماشین را زیر گرفته ام. هنگام فرار از خیابان گاندی چند کارگر ساختمانی که شاهد ماجرا بودند دنبال

کنم. وی افزود: با اعتمادی که به حرفهای زن غریبه کرده بودم به خانه بازگشتم اما پس از یک ساعت چند پیامک بانکی از بانک به دست رسیدم که مشخص شد ۴ میلیون تومان از حسابم برداشت شده است.

شکار تصویر زن فریبکار

ماموران پایگاه ۹ پلیس آگاهی تهران با بررسی تراکنش مالی حساب بانکی طعمه زن فریبکار پی بردند که این زن میانسال با کارت بانکی سرقتی از چند مرکز خرید در منطقه باقرآباد ورامین خرید کرده است. در این مرحله کارآگاهان دوربین های مدار بسته را مورد بررسی قرار دادند و تصویر زن میانسال با موهای طلایی به دست آمد و شاکی پرونده نیز با مشاهده تصاویر، وی را همان دزد کارت بانکی اش معرفی کرد.

پلیس فاش کرد

پایان دزدی های زن مو طلایی

انتقال پول از دستگاه عابر بانک به حساب دیگری به شعبه یک بانک در کهریزک رفتم اما بظاظ نداشتن سواد کافی از زن میانسال دیگری که در نزدیکی من ایستاده بود درخواست کمک کردم. وی افزود: از زن میانسال خواستم تا عملیات انتقال پول را برای من انجام دهد به همین خاطر کارت بانکی و رمز عابر بانک را در اختیار وی قرار دادم و پس از دقایقی این زن ادعا کرد که دستگاه کارت عابر بانکم را خورده و فردای آن روز باید بسرای دریافت کارت به بانک مراجعه

گروه حوادث: زن مو طلایی با سواستفاده از اعتماد زن میانسال اقدام به خالی کردن حساب بانکی طعمه اش کرد. روز ۲۴ اردیبهشت ماه سال جاری زنی با چهره ای آشفته پای در کلانتری ۱۷۰ کهریزک گذاشت و از ماجرای گرفتار شدن در دام زن فریبکاری که حساب بانکی اش را خالی کرده بود خبر داد.

اعتماد بی جا

زن میانسال به ماموران گفت: ساعت ۶ عصر برای